

al-milani.com

سلسله پژوهش‌های اعتقادی

(۲۴)

غدیر به روایت اهل بیت علیهم السلام

نگرشی کوتاه به حدیث غدیر

در منابع شیعی

آیت الله سید علی حسینی میلانی

سرآغاز

پیش گفتار

بخش یکم

غدیر از دیدگاه قرآن

آیات غدیر

آیه یکم

آیه دوم

آیه سوم

آیه چهارم

بخش دوم

غدیر به روایت اهل بیت علیهم السلام

غدیر و ولایت حضرت علی علیه السلام

نزول در جحفه

شگفتا از مصائب علی علیه السلام

یاری گر علی علیه السلام

غدیر و گوشه ای از سخنان پیامبر

مهمتر و سرور مردم

علی علیه السلام همانند هارون

غدیر و سخنی دیگر

فواید ارزشمند

استناد و سوگند به حدیث غدیر

گفت و گوی سعد و معاویه

اعتراض و مخالفت در روز غدیر

معنای حدیث غدیر

اعتراف ابوحنیفه به دلالت حدیث غدیر

روزه روز غدیر

مسجد غدیر و نماز گزاردن در آن

روز غدیر، روز عید

کتاب نامه

سرآغاز

. . . آخرین و کامل ترین دین الاهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و رسالت پیام رسانان الاهی با نبوت آن حضرت پایان پذیرفت.

دین اسلام در شهر مکه شکوفا شد و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسای رسول خدا صلی الله علیه وآله و جمعی از یاران باوفایش، تمامی جزیره العرب را فرا گرفت.

ادامه این راه الاهی در هجدهم ذی الحجّه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای مّان به نخستین رادمرد عالم اسلام پس از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.

در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الاهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دین مورد

پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفرورزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند.

دیری نیاید که برخی اطرافیان پیامبر صلی الله علیه وآله، - با توطئه هایی از پیش مهیا شده - مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه وآله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحیر و سردرگمی قرار دادند. آنان از همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تدلیس و تلبیس های شیطانی، حقایق اسلام را - که همچون آفتاب جهان تاب بود - پشت ابرهای سیاه شكّ و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه ها، حقایق اسلام و سخنان دُرُزبار پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، توسط امیر مؤمنان علی علیه السلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی ها، شبهه ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته اند.

در این راستا، نام سپیده باورانی همچون شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علامه حلی، قاضی نورالله، میر حامد حسین، سید شرف الدین، امینی و... همچون ستارگانی پرفروز می درخشند؛ چرا که اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین

واقعیات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ گویی شبهات پرداخته اند... .

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندانی که با قلمی شیوا و بیانی رسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخته است، پژوهشگر و الامقام حضرت آیت الله سید علی حسینی میلانی، می باشد.

مرکز حقایق اسلامی، افتخار دارد که احیای آثار پربار و گران سنگ آن محقق نستوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظّم له، آن ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد.

کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظّم له است که اینک "فارسی زبانان" را با حقایق اسلامی آشنا می سازد.

امید است که این تلاش مورد خشنودی و پسند بقیّة الله الأعظم، حضرت ولی عصر، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

مرکز حقایق اسلامی

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا محمد وآله
الطيبين الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم أجمعين من الأولين والآخرين.

از اصول مسلّم گفت و گو پیرامون مسائل اختلافی، این است که هر کدام از طرف های دعاوی به اعتقادات مورد قبول طرف مقابل، استدلال نمایند و یا بحث و مناظره بر پایه قواعد و چارچوبی مشخص، استوار گردد که دو طرف یا همه طرف ها آن را بپذیرند.

علمای امامیه در طول تاریخ، همین روش را در برابر دیگر فرقه های اسلامی به کار بسته و در همه مسائل اختلافی - چه فقهی و چه کلامی - به ویژه در موضوع امامت و خلافت، از همین روش استفاده کرده و می کنند. در خصوص حدیث غدیر نیز ملاحظه می شود که کتاب های شیعه، سرشار از روایات اهل سنت است؛ به گونه ای که عالمان شیعه،

احادیث وارده در مهم ترین کتاب های معتبر اهل سنت را - با همان سندها و طرق مذکور در این کتاب ها - نقل می کنند و برای اثبات دلالت این احادیث بر اعتقادات خود، به سخن نام آورترین علمای آنان، استناد می نمایند؛ تا جایی که برای تعیین معنای برخی واژه ها نیز، به دیدگاه های زبان شناسان اهل سنت، استدلال می کنند.

در عین حال، استفاده از این روش کارآمد و وزین، ممکن است برخی ساده دلان را در دام شبهه گرفتار کند و یا شماری از متعصبان را به نادیده گرفتن حقیقت، سوق دهد. برای مثال ابن روزبهان در پاسخ به علامه حلی رحمه

الله می نویسد:

شگفت آن که این مرد، تنها به نقل روایات اهل سنت می پردازد؛ چرا که شیعیان از هرگونه کتاب، روایات و علمای مجتهد و ناقل حدیث، محروم هستند. بنابراین، وی در اثبات ادعاهای خود، به شدت به کتاب های اهل سنت نیازمند است.^۱

نوشتار پیش رو **حدیث غدیر به روایت اهل بیت** علیهم السلام است که به اختصار به بررسی حدیث غدیر در سندهای شیعی و کتاب های علمای مجتهد امامیه پرداخته است تا این نکته را به ابن روزبهان گوشزد نماید که:

شیعیان دارای کتاب، روایات و عالمان مجتهد هستند و در اثبات ادعاهای خود به کتاب های اهل سنت نیازی ندارند.

هم چنین اهل سنت بدانند که:

۱ . حدیث غدیر، مورد اتفاق نظر همه مسلمانان است تا جایی که شیعه و سنی در نقل برخی روایات آن، اشتراك نظر دارند و با سند و متن یکسان، آن را ذکر کرده اند.

۲ . ائمه اهل بیت علیهم السلام و عالمان پیروان آن ها، حدیث غدیر را مورد توجه قرار داده و برای گسترش و تبلیغ آن، نهایت تلاش خود را به کار بسته اند.

۳ . این نوشتار دارای نکته ها و فایده هایی است که راویان اهل سنت، از آن غافل مانده یا بدان توجهی نکرده اند.

ما در این نوشتار با استفاده از منابع دست اول شیعه، متن احادیثی را تحت يك سری عناوین، می آوریم و نکاتی چند را خاطرنشان می سازیم.

سید علی حسینی میلانی

آیات غدیر

در روز غدیر، چند آیه از جانب خداوند متعال نازل شد که با استناد به روایات، آن ها را می آوریم.

آیه یکم

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ)؛^۲

ای پیامبر! آن چه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است، به طور کامل (به مردم) برسان و اگر انجام ندهی

رسالت او را انجام نداده ای و خدا تو را از (خطرهای) مردم حفظ می کند.

پیش از سخنرانی پیامبر خدا صلی الله علیه وآله در روز غدیر این آیه نازل شد. روایات اهل بیت علیهم السلام نیز بر نزول این

آیه در روز غدیر

صحّه می گذارند.

شیخ محمّد بن یعقوب کلینی رحمه الله در گذشته سال ۳۲۸ هجری به سند خود از امام محمّد باقر علیه السلام این

گونه نقل می کند:

خداوند، به پیامبر خود دستور داد که ولایت علی علیه السلام را اعلام کند و این آیه را بر او نازل کرد:

(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ)؛^۳

ولی و صاحب اختیار شما تنها خدا، پیامبر او و کسانی هستند که ایمان آورده اند؛ همان کسانی که نماز را برپا

می دارند و در حال رکوع، زکات می دهند.

در این آیه، ولایت اولی الامر واجب شد، اما مردم از کنه این ولایت، آگاه نبودند. از این رو خداوند به حضرت محمد صلی الله علیه وآله فرمان داد تا به سان نماز، زکات، روزه و حج، ولایت را نیز برای مردم تفسیر نماید.

هنگامی که این دستور، ابلاغ شد، سینه رسول خدا صلی الله علیه وآله به تنگ آمد و ترسید که مردم از دین خود، مرتد شده و او را تکذیب نمایند. از این رو با پروردگار متعال، درد دل نمود.

در این هنگام، خداوند متعال به آن حضرت این گونه وحی فرمود:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ)؛

ای پیامبر! آن چه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است، به طور کامل (به مردم) برسان و اگر انجام ندهی رسالت او را انجام نداده ای و خدا تو را از (خطرهای) مردم حفظ می کند.

به همین جهت، رسول خدا صلی الله علیه وآله از دستور خدای تعالی اطاعت نمود و در روز غدیر خم، ولایت علی علیه السلام را اعلام فرمود. ایشان ندای نماز جماعت، سر داد و از مردم خواست تا شاهدان، غایبان را آگاه سازند...^۴

حافظان بزرگ و عالمان مشهور اهل سنت نیز هم چون ابن ابی حاتم، ابن مردویه، ثعلبی، ابونعیم اصفهانی، واحدی، حسکانی، ابن عساکر، فخر رازی، نیشابوری، عینی، جلال الدین سیوطی و... نزول این آیه را در روز غدیر نقل کرده اند.^۵

آیه دوم

هنگامی که سخنرانی پیامبر خدا صلی الله علیه وآله در روز غدیر پایان یافت و حاضران با امیر مؤمنان علی علیه السلام بیعت کردند، این آیه نازل شد:

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)؛^۶

۳ . سوره مائده: آیه ۵۵.

۴ . الکافی: ۱ / ۲۸۹، حدیث ۴.

۵ . الدر المنثور: ۲ / ۲۹۸، أسباب النزول: ۱۱۵، ترجمة أميرالمؤمنين من تاريخ مدينة دمشق: ۲ / ۸۶، التفسير الكبير: ۱۲ /

۴۹، تفسير نيسابوري: ۶ / ۱۲۹ - ۱۳۰، عمدة القاری: ۱۸ / ۲۰۶... .

۶ . سوره مائده: آیه ۳.

امروز دین شما را به حدّ کمال رساندم و بر شما نعمتم را تمام کردم و بهترین آیین را که اسلام است برای شما برگزیدم.

شیخ کلینی رحمه الله به سند خود از امام محمد باقر علیه السلام، حدیث سخنرانی امیر مؤمنان علی علیه السلام را که به خطبه «وسيله» معروف است، نقل می کند. امیر مؤمنان علی علیه السلام در این سخنرانی مفصل می فرماید: آن گاه پیامبر خدا صلی الله علیه وآله به سوی غدیر خم رفت و مسلمانان به دستور ایشان، چیزی شبیه به منبر را آماده کردند. پیامبر صلی الله علیه وآله بر فراز آن منبر رفت و بازوی مرا گرفت تا جایی که سفیدی زیر بغلش نمایان شد؛ آن گاه با صدای بلند فرمودند:

من كنت مولاه فعلي مولاه، اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه;

هر که من مولای او هستم علی مولای اوست، خدایا! دوستداران او را دوست و دشمنانش را دشمن بدار. بنابراین، دوستی با من، دوستی با خدا و دشمنی با من، دشمنی با خداست و در این هنگام، خداوند این آیه را نازل کرد:

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا);

امروز دین شما را به حدّ کمال رساندم و بر شما نعمتم را تمام کردم و بهترین آیین را که اسلام است برای شما برگزیدم.

از این رو، ولایت من، موجب تکمیل دین و خشنودی پروردگار بزرگ شد.^۷

شایان ذکر است که برخی از عالمان و حافظان بزرگ اهل سنت همانند ابن مردویه، ابونعیم اصفهانی،

ابن مغزلی، موفق مکی، ابوحامد صالحانی، حموبنی و... نیز نزول این آیه در روز غدیر را نقل کرده اند.^۸

آیه سوم

هنگامی که مردم با امیر مؤمنان علی علیه السلام بیعت کردند و این بیعت پایان یافت درباره شخصی به نام

نعمان فهری این آیه نازل شد:

۷ . الکافی: ۲۷ / ۸ .

۸ . المناقب، ابن مغزلی: ۱۸، المناقب، خوارزمی: ۸۰، فرائد السّمطين: ۱ / ۷۴ ...

(سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ * لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ)؛

پرسنده ای، عذاب حتمی درخواست کرد؛ عذابی که بر کافران است و هیچ دفع کننده ای ندارد.

شیخ فرات بن ابراهیم کوفی رحمه الله به سند خود چنین نقل می کند:

حسین بن محمد خارفی می گوید: از سفیان بن عیینه پرسیدم: آیه (سَأَلَ سَائِلٌ) درباره چه کسی نازل شده

است؟

سفیان پاسخ داد: پسر برادرم! از چیزی پرسیدی که پیش از تو هیچ کس آن را از من نپرسیده بود. من همین

سؤال را از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم.

آن حضرت از جدش از پدرش از ابن عباس چنین نقل کرد:

در روز غدیر، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله برخاست و به ایراد يك سخنرانی کوتاه پرداخت و آن گاه امیر مؤمنان علی بن

ابی طالب علیهما السلام

را فرا خواند، بازویش را گرفت و آن گاه دستش را بالا برد تا جایی که سفیدی زیر بغل هر دو نمایان شد.

در این هنگام پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

أَلَمْ أُبَلِّغْكُمْ الرِّسَالَةَ؟ أَلَمْ أَنْصَحْ لَكُمْ؟

آیا رسالتم را به شما ابلاغ نکردم؟ آیا شما را ناصح و خیرخواه نبودم؟

گفتند: آری، همین طور است.

فرمود:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فِهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مِنَ وَالَاهِ، وَعَادَ مِنْ عَادَاهِ، وَأَنْصَرَ مِنْ نَصْرِهِ،

وَأَخَذَ مِنْ خِذْلِهِ؛

هر که من مولای او هستم این علی، مولای اوست. خدایا! دوستداران او را دوست و دشمنانش را دشمن مدار.

خداوندا! هر که او را یاری کند، او را یاری نما و هر که او را تنها گذارد، تنهایش گذار.

سخن پیامبر صلی الله علیه وآله بر سر زبان ها افتاد و به نعمان فهری رسید. نعمان، شترش را پالان کرد و بر آن سوار شد... آن گاه به نزد پیامبر صلی الله علیه وآله آمد و سلام کرد.

پیامبر صلی الله علیه وآله نیز پاسخ سلام او را داد.

نعمان گفت: ای محمد! ما را دعوت کردی که «لا إله إلا الله» بگوییم، ما اجابت کردیم، آن گاه از ما خواستی به نبوت تو ایمان بیاوریم و ما نیز با وجود برخی تردیدها، ایمان آوردیم. آن گاه ما را به نماز دعوت نمودی و ما به دعوت تو لبیک گفتیم. سپس ما را به روزه داری فرا خواندی و این کار را انجام دادیم؛ بعد از آن، ما را به حج دعوت نمودی و آن گونه که تو می خواستی، انجام دادیم، آن گاه گفتی: هر کدام از شما که دویست درهم کسب کند، باید همه ساله، خمس آن را صدقه بدهد، ما نیز این فرمان تو را اجرا کردیم.

اکنون پسر عمویت را برگزیده ای و او را مهتر ما قرار داده ای و می گویی: «هر که من مولای او هستم این علی مولای اوست، خدایا! دوستداران او را دوست و دشمنانش را دشمن بدار، خداوندا! هر که علی را یاری کند، یاریش کن و هر که او را تنها گذارد، تنهایش گذار». آیا این سخنان از جانب توست یا از جانب خدا؟ پیامبر خدا صلی الله علیه وآله سه بار فرمود:

بل عن الله؛

قطعاً از جانب خداوند است.

در این هنگام نعمان فهری به حالت خشم، برخاست و گفت: خداوندا! اگر این گفته های محمد، حق است، بارانی از سنگ آسمانی بر

ما ببار تا بلایی برای نسل کنونی و آیه ای برای نسل های بعدی ما باشد؛ و اگر این سخنان محمد دروغ است، بلایت را بر او نازل کن!

آن گاه به شترش نهیب زد و زانوبند آن را باز کرد. سپس بر آن سوار شد و رفت. هنگامی که از آن دشت پهناور بیرون می رفت. خدای تعالی از آسمان سنگی را بر سرش فرو فرستاد؛ به گونه ای که پس از اصابت به سر نعمان، سنگ از پشتش بیرون زد و او را به هلاکت رساند.

در این هنگام، خدای تعالی این آیه ها را درباره نعمان فهری نازل کرد:

(سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ * لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ * مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ);^{۱۰}

پرسنده ای، عذاب حتمی درخواست کرد؛ عذابی که بر کافران است و هیچ دفع کننده ای ندارد. این عذاب از

خدای صاحب معارج است.^{۱۱}

نزول این آیه شریفه را نیز برخی از عالمان و محدثان بزرگ اهل سنت همانند ثعلبی، سبط ابن جوزی، زرنندی،

سمهودی، ابن صباغ، مناوی، حلبی و... درباره نعمان فهری نقل کرده اند.^{۱۲}

گفتنی است که این حدیث با همین متن، در تفسیر ثعلبی و به سند خود او از سفیان بن عیینه نیز نقل شده

است.^{۱۳}

آیه چهارم

شیخ علی بن ابراهیم قمی رحمه الله - از بزرگان قرن سوم - به سند خود از امام جعفر صادق علیه السلام نقل

می کند که آن حضرت فرمود:

در روز غدیر و در شأن امیر مؤمنان علی علیه السلام این آیه ها نازل شد:

(وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ * نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ);^{۱۴}

و به یقین این (قرآن) از جانب پروردگار جهانیان نازل شده است. روح الامین آن را نازل کرده؛ بر قلب تو، تا از بیم

دهندگان باشی.^{۱۵}

۱۰ . سوره معارج: آیه های ۱ - ۳.

۱۱ . بحار الأنوار: ۳۷ / ۱۷۵.

۱۲ . تذكرة الخواص: ۳۰، نظم درر السمطين: ۹۳، الفصول المهمه: ۴۲، فيض القدير: ۶ / ۲۸۱، السيرة الحلبية: ۳ / ۳۳۷، نور الإبصار: ۷۸ ...

۱۳ . بحار الأنوار: ۳۷ / ۱۷۶.

۱۴ . سوره شعراء: آیه های ۱۹۲ - ۱۹۴.

۱۵ . تفسیر القمی: ۲ / ۱۲۴، شیخ محمد محسن فیض کاشانی - متوفای سال ۱۰۹۱ هجری - نیز این حدیث را به نقل از تفسیر القمی در کتاب الصافی فی تفسیر القرآن: ۴ / ۵۰ آورده است.

غدیر و ولایت حضرت علی علیه السلام

ابوالعبّاس عبدالله بن جعفر حمیری - از بزرگان قرن سوّم - از سندی بن محمد این گونه نقل می کند:

صفوان جمّال می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که این آیه در ولایت علی علیه السلام نازل شد رسول خدا صلی الله علیه وآله به جارو کردن زیر درختان موجود در آن منطقه اشاره کرد و اصحاب نیز خس و خاشاک زیر درختان را جارو کردند و سایبانی را برای آن حضرت برپا نمودند. آن گاه ندای نماز جماعت سر داده شد و پس از آن، رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟

ای مردم! هر کس من مولای او هستم، علی مولای اوست، آیا من از شما به خودتان سزاوارتر نیستم؟

گفتند: بله.

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ. رَبِّ! وَالِ مِنْ وَالَاهُ، وَعَادَ مِنْ عَادَاهُ;

هر کس من مولای او هستم علی مولای اوست. پروردگارا! دوستداران او را دوست و دشمنانش را دشمن مدار.

آن گاه پیامبر صلی الله علیه وآله دستور داد مردم با حضرت علی علیه السلام بیعت کنند و مردم نیز با آن حضرت

بیعت کردند تا جایی که همه می آمدند و با آن حضرت بیعت می نمودند و هیچ کدام سخنی نمی گفت...^{۱۶}

ابونضر محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی، از بزرگان قرن سوّم نیز این حدیث را از صفوان از امام صادق علیه

السلام نقل کرده است.^{۱۷}

نزول در جحفه

عیاشی رحمه الله از حنّان بن سدیر، از پدرش این گونه نقل می کند: سدیر می گوید: امام محمّد باقر علیه السلام

فرمود:

هنگامی که جبرئیل در حجّة الوداع برای اعلان امر (ولایت)

علی بن ابی طالب علیهما السلام بر پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرود آمد، این آیه نازل شد:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ...)^{۱۸};

ای پیامبر! آن چه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است، به طور کامل (به مردم) برسان... .

پیامبر صلی الله علیه وآله سه روز صبر کرد تا این که به جحفه رسید و تا آن روز از ترس مردم، دست علی علیه السلام

را بالا نبرده بود، اما هنگامی که در روز غدیر در یکی از اماکن جحفه به نام «مهیعه» فرود آمد، ندای نماز جماعت

سر داد.

مردم جمع شدند. پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

من أولى بكم من أنفسكم:

چه کسی از شما به خودتان سزاوارتر است؟

مردم با صدای بلند گفتند: خدا و رسولش.

پیامبر صلی الله علیه وآله دوباره همین جمله را تکرار کرد.

مردم گفتند: خدا و رسولش.

پیامبر صلی الله علیه وآله برای بار سوم همین جمله را تکرار کرد.

مردم گفتند: خدا و رسولش.

آن گاه پیامبر صلی الله علیه وآله دست حضرت علی علیه السلام را گرفت و فرمود:

۱۷ . تفسیر العیاشی: ۱ / ۳۲۹ و به نقل از آن بحار الأنوار: ۳۷ / ۱۳۸.

۱۸ . سوره مائده: آیه ۶۷.

من كنت مولاه فعلي مولاه، اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه، وانصر من نصره، واخذل

من خذله؛ فإنه مني وأنا منه. وهو مني بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي؛^{۱۹}

هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست، خدایا! دوستداران او را دوست و دشمنانش را دشمن دار. هر که او را یاری کند یاریش کن و هر که او را تنها گذارد، تنهایش گذار؛ زیرا او از من است و من از او و او برای من همانند هارون برای موسی است مگر این که بعد از من هیچ پیامبری نخواهد بود.

شگفتا از مصائب علی علیه السلام

عیاشی رحمه الله حدیث دیگری را از عمر بن یزید نقل می کند. وی می گوید: امام صادق علیه السلام سر سخن

را باز کرد و فرمود:

ای اباحفص! شگفتا از مصائب علی بن ابی طالب علیهما السلام که ده هزار شاهد داشت، اما نتوانست حق خود

را بگیرد و حال آن که دو شاهد برای گرفتن حق، کافی است.

رسول خدا صلی الله علیه وآله برای حج از مدینه بیرون رفت و پنج هزار نفر با او همراه شدند. آن حضرت در حالی

از مکه بازگشت که پنج هزار نفر از مردم مکه در مشایعت وی بودند.

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه وآله به منطقه جحفه رسید، جبرئیل برای اعلام ولایت علی علیه السلام نازل شد.

آیه ولایت علی علیه السلام در منا نیز نازل شده بود، اما رسول خدا صلی الله علیه وآله به جهت شناخت مردم، از بیان آن

خودداری کرد. در این هنگام جبرئیل عرض کرد:

(يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ)؛^{۲۰}

ای پیامبر! آن چه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است، به طور کامل (به مردم) برسان و اگر انجام ندهی

رسالت او را انجام نداده ای و خدا تو را از (خطرهای) مردم حفظ می کند.

یعنی تو را از آن چه در منا خوش نداشتی، نگاه خواهد داشت.

بنابراین رسول خدا صلی الله علیه وآله دستور داد مردم توقف کنند و مردم خس و خاشاک ها را جارو کردند....^{۲۱}

عیاشی رحمه الله سومین روایت در زمینه غدیر را این گونه

نقل می کند:

زیاد بن منذر می گوید: در خدمت امام محمد باقر علیه السلام بودم. ایشان برای مردم حدیث می گفت. در این هنگام مردی از مردم بصره به نام عثمان اعشی - که از قول حسن بصری حدیث نقل می کرد - به حضور امام علیه السلام آمد و گفت: ای فرزند رسول خدا! فدایت شوم، حسن بصری حدیثی را برای ما روایت می کند که طبق آن، آیه (یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ)^{۲۲} در مورد یکی از اصحاب نازل شده است، اما نام آن صحابی را برای ما نقل نمی کند.

تفسیر آیه مذکور این است که آیا از مردم می ترسی؟ نگران نباش که خداوند تو را از شر آنان در امان می دارد. امام محمد باقر علیه السلام فرمود: حسن بصری را چه شده است؟! خداوند دینش را ادا نکند (یعنی نمازش را نپذیرد!) آگاه باش که اگر می خواست، نام آن صحابی را نقل می کرد. جبرئیل بر رسول خدا صلی الله علیه وآله نازل شد... و گفت:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا مَرْكَ أَنْ تَدَلَّ أُمَّتِكَ مِنْ وَلِيِّهِمْ، عَلَى مِثْلِ مَا دَلَلْتَهُمْ عَلَيْهِ فِي صَلَاتِهِمْ

وَزَكَاتِهِمْ وَصِيَامِهِمْ وَحَجَّتِهِمْ:

خدای متعال به تو فرمان می دهد که ولی اُمّت را به آن ها معرفی کنی؛ همان گونه که نماز، زکات، روزه و حج را برای آنان تبیین نمودی.

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: پروردگارا! اُمّت من هنوز از بند جاهلیت رهایی نیافته اند.

در این هنگام خداوند این آیه را نازل فرمود:

(یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ)^{۲۳};

۲۰ . سوره مائده: آیه ۶۷.

۲۱ . تفسیر العیاشی: ۱ / ۳۲۲ و به نقل از آن بحار الأنوار: ۳۷ / ۱۴۰.

۲۲ . سوره مائده: آیه ۶۷.

۲۳ . سوره مائده: آیه ۶۷.

ای پیامبر! آن چه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است، به طور کامل (به مردم) برسان و اگر انجام ندهی رسالت او را انجام نداده ای و خدا تو را از (خطرهای) مردم حفظ می کند.

رسول خدا صلی الله علیه وآله برخاست و دست علی بن ابی طالب علیهما السلام را گرفت، آن را بالا برد و فرمود:

من كنت مولاه فعلي مولاه...^{۲۴}

هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست... .

یاری گر علی علیه السلام

در این زمینه شیخ ابوعمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی از

بزرگان علمای شیعه در قرن چهارم، چنین نقل می کند:

جبرئیل بن احمد، از موسی بن معاویه بن وهب، از علی بن سعید، از عبدالله بن عبدالله واسطی، از واصل بن

سلیمان، روایت می کند که عبدالله بن سنان می گوید: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که زید بن صوحان رحمه الله در جنگ جمل بر زمین افتاد، امیر مؤمنان علی علیه السلام بر بالینش

حاضر شد و فرمود:

رحمك الله يا زيد! لقد كنت خفيف المؤونة عظيم المعونة;

ای زید! خدا تو را رحمت کند که کم هزیننه و بسیار یاری گر بودی.

زید سرش را بالا آورد و گفت: ای امیر مؤمنان! خداوند تو را نیز جزای خیر دهد. به خدا سوگند، فقط تو را

عالیم به خدا دیدم و در قرآن، بلند مرتبه و حکیم یافتیم. به راستی که خداوند در قلب تو جایگاه والایی دارد.

به خدا سوگند، از روی جهالت در کنار تو نجات یافتیم؛ بلکه از ام سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه وآله شنیدیم که

می گفت: از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیدیم که می فرمود:

من كنت مولاه فعلي مولاه، اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه، وانصر من نصره، واخذل

من خذله;

هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست. خدایا! دوستداران او را دوست و دشمنانش را دشمن بدار، هر که او را یاری کند، یاریش کن و هر که او را تنها گذارد، تنهایش گذار.

سوگند به خدا، به همین خاطر است که کراهت داشتم تو را تنها گذارم؛ چرا که در این صورت، خداوند مرا تنها

می گذاشت.^{۲۵}

غدیر و گوشه ای از سخنان پیامبر

شیخ ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه ملقب به صدوق، درگذشته سال ۳۸۱ هجری حدیث غدیر را با چند سند

نقل می کند:

ابن ولید، از صفار، از ابن ابی الخطاب و ابن یزید از ابن ابی عمیر؛

و نیز پدرم از علی، از پدرش، از ابن ابی عمیر؛

هم چنین ابن مسرور از ابن عامر، از عمویش، از ابن ابی عمیر؛

و نیز ابن متوکل، از سعدآبادی، از برقی، از پدرش، از ابن ابی عمیر؛

از عبدالله بن سنان، از معروف بن خربوذ، از ابوظفیل عامر بن وائله، از حذیفه بن اسید غفاری چنین نقل

کرده اند:

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه وآله از حجة الوداع بازگشت - ما نیز همراه ایشان بودیم - تا جحفه به حرکت

خود ادامه داد و در این منطقه، دستور توقف صادر نمود. مردم در جایگاه خود فرود آمدند و آن گاه ندای اذان بلند

شد. در این هنگام، رسول خدا صلی الله علیه وآله به همراه اصحاب خود دو رکعت نماز جماعت گزارد و آن گاه به آن ها

رو کرد و فرمود:

إِنَّهٗ قَدْ نَبَأَنِي اللّٰطِيفُ الْخَبِيرُ أَنَّي مَيِّتٌ وَأَنْكُمْ مَيِّتُونَ، وَكَأَنِّي قَدْ دَعَيْتُ فَأَجَبْتُمْ، وَإِنِّي

مَسْئُولٌ عَمَّا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَعَمَّا خَلَّفْتُ فِيكُمْ مِنْ كِتَابِ اللّٰهِ وَحِجَّتِهِ، وَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ،

فَمَا أَنْتُمْ قَائِلُونَ لِرَبِّكُمْ؟

خداوند مهربان و آگاه به من خبر داده است که من و شما همه خواهیم مُرد؛ گویی از سوی پروردگار دعوت شده ام بنابراین، دعوت وی را اجابت می کنم. من مسئول رسالت الاهی و کتاب خدا و حجت وی هستم که در میان شما باقی گذارده ام. شما نیز مسئول هستید؛ حال به پروردگار خود چه خواهید گفت؟

گفتند: خواهیم گفت که تو رسالت الاهی را ابلاغ کردی، خیرخواهی نمودی و مجاهدت کردی، خداوند برای هدایت ما، به تو بهترین پاداش را عنایت کند.

آن گاه پیامبر صلی الله علیه وآله به آنان فرمود:

أَلَسْتُمْ تَشْهَدُونَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنْتِي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ، وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ، وَأَنَّ الْبَعْثَ بَعْدَ الْمَوْتِ حَقٌّ؟

آیا شهادت می دهید که هیچ معبودی جز خدا نیست و من فرستاده خدا به سوی شما هستم؟ آیا شهادت می دهید که بهشت، دوزخ و حیات دوباره پس از مرگ، حق است؟

گفتند: آری، شهادت می دهیم.

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: خدایا! بر سخنان این مردم، شاهد باش!

هان! شما را به شهادت می گیرم که من گواهی می دهم که خدا مولای من است؛ من مولای همه

مسلمانان هستم و از مؤمنان به خودشان سزاوارترم؛ حال آیا به این امر اقرار می کنید و شهادت مرا می پذیرید؟

گفتند: آری، شهادت تو مورد قبول ماست.

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

أَلَا مِنْ كُنْتُمْ مَوْلَاهُ، فَإِنَّ عَلِيًّا مَوْلَاهُ وَهُوَ هَذَا؛

هان! هر که من مولای او هستم این علی مولای اوست.

آن گاه پیامبر خدا صلی الله علیه وآله دست حضرت علی علیه السلام را گرفت و آن را با دست خود بالا برد تا جایی که

زیر بغل هر دو نمایان شد. سپس فرمود:

اللَّهُمَّ وَالِ مِنَ وَالِاهِ، وَعَادِ مِنْ عَادَاهِ.

ألا وإنِّي فرطكم وأنتم واردون عليّ الحوض غدًا، وهو حوض عرضه ما بين بصرى
وصنعاء، فيه أقداح من فضة عدد نجوم السماء.

ألا وإنِّي سائلكم غدًا ماذا صنعتُم فيما أشهدت الله به عليكم في يومكم هذا إذ وردتم
عليّ حوضي؟ وماذا صنعتُم بالثقلين

من بعدي؟ فانظروا كيف خلفتموني فيهما حين تلقوني؟

خدایا! دوستداران او را دوست و دشمنانش را دشمن بدار.

آگاه باشید که من پیشاپیش شما هستم و فردای قیامت در حوض، بر من وارد خواهید شد؛ عرض این حوض به
اندازه فاصله بصری تا صنعاء است و تعداد فراوانی جام های نقره به اندازه ستارگان آسمان در آن وجود دارد.
هان که من امروز در يك امر مهم، خدا را بر شما گواه می گیرم و آگاه باشید که فردای قیامت پس از ورود به
حوض من از شما خواهم پرسید: با چیزی که در مورد آن، خدا را بر شما گواه گرفتم، چه کردید؟ و پس از من با
دو چیز گران بها چگونه رفتار کردید؟ پس بنگرید که به هنگام ملاقات من، چگونه این دو چیز گران بها را پاس
داشته اید؟

گفتند: ای رسول خدا! این دو ثقل چیست؟

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

أما الثقل الأكبر فكتاب الله عزّوجلّ، سبب ممدود من الله ومَنِّي في أيديكم، طرفه بيد الله،
والطرف الآخر بأيديكم، فيه علم ما مضى وما بقي إلى أن تقوم الساعة.

وأما الثقل الأصغر فهو حليف القرآن وهو علي بن أبي طالب وعترته. وإئهما لن يفترقا
حتى يردا عليّ الحوض؛

ثقل بزرگ تر کتاب خداست که هم چون طنابی از سوی خدا و من، کشیده شده و در دستان شما قرار گرفته
است؛ يك طرف این طناب در دست خدا و طرف دیگر آن در دستان شما قرار دارد و علم گذشته و آینده تا
هنگامه قیامت، در آن است.

ثقل کوچک تر که هم پیمان قرآن محسوب می شود، علی بن ابی طالب و عترت اوست و این دو ثقل از هم جدا نخواهند شد تا آن که در حوض بر من وارد شوند.

معروف بن خزّبوذ می گوید: این حدیث را بر امام محمد باقر علیه السلام عرضه کردم.

آن حضرت فرمود: ابوظفیل راست گفته است. ما این حدیث را در کتاب حضرت علی علیه السلام یافته و با آن

آشنایی داریم.^{۲۶}

مہتر و سرور مردم

شیخ حرّ عاملی رحمه الله در اثبات الهداة می نویسد:

جابر بن حزام، حدیثی را در مورد زنی به نام «خوله حنفی» نقل می کند که امیر مؤمنان علی علیه السلام او را از

میان اسرای بنی حنیفه برگرفت.

خوله به هنگام ملاقات با حضرت علی علیه السلام گفت: تو کیستی؟

فرمود: من علی بن ابی طالب هستم.

آن دختر گفت: شاید تو همان مردی هستی که رسول خدا صلی الله علیه وآله او را در غدیر خم و در صبح روز

جمعه به عنوان مہتر و سرور مردم انتخاب کرد؟!!

فرمود: بله، من همان هستم.

خوله گفت: ما به خاطر تو خشمگین شدیم و به خاطر تو به ما حمله کردند؛ زیرا مردانمان گفتند: ما صدقات

اموال و فرمانبرداری خود را تنها در اختیار کسی می گذاریم که رسول خدا صلی الله علیه وآله او را به عنوان مہتر ما و

شما برگزید.^{۲۷}

علی علیه السلام همانند هارون

شیخ حرّ عاملی رحمه الله در این باره حدیث دیگری را نقل می کند. انس می گوید:

روزی پیامبر خدا صلی الله علیه وآله بر فراز منبر رفت، دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود:

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، أَيُّهَا النَّاسُ! أَلَسْتُ أُولَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟

خدایا! این مرد برای من همانند هارون برای موسی است با این

تفاوت که پس از من هیچ پیامبری نخواهد آمد. ای مردم! آیا من از شما به خودتان سزاوارتر نیستم؟

گفتند: بله هستید.

فرمود:

من كنت مولاه فعلي مولاه، ومن كنت وليه فعلي وليه؛^{۲۸}

هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست و هر کس من ولیّ او هستم، علی ولیّ اوست.

غدیر و سخنی دیگر

آخرین روایت را در این زمینه از شیخ ابوجعفر طوسی رحمه الله نقل می کنیم. وی می گوید:

مفید، از علی بن احمد قلانسی، از عبدالله بن محمد، از عبدالرحمان بن صالح، از موسی بن عمران، از

ابواسحاق سبیعی، از زید بن ارقم نقل می کند. زید می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیدم که در غدیر خم

می فرمود:

صدقه برای من و اهل بیتم، حلال نیست. خدا لعنت کند هر کسی که خود را به غیر پدرش، وابندند. خدا لعنت کند

کسی را که سرپرستی غیر والیان امر را بپذیرد. فرزند از آن صاحب بستر است و زناکار باید

سنگسار شود و برای وارث بیش از آن چه وصیت شده است؛ سهمی نیست.

آگاه باشید که شما سخنانم را شنیدید و مرا دیدید. هان! هر کس به عمد بر من دروغ بندد در واقع جایگاه خود

را در دوزخ، مستحکم کرده است.

حضرتش در ادامه افزود:

۲۷ . إثبات الهداة: ۲ / ۴۲.

۲۸ . همان: ۲ / ۴۴.

ألا وإنّي فرط لكم على الحوض ومكاثركم الأمم يوم القيامة، فلا تسؤدوا وجهي. ألا
لأستنقذنّ رجالا من النار وليستنقذنّ من يدي أقوام. إنّ الله مولاي وأنا مولى كلّ مؤمن
ومؤمنه، ألا فمن كنت مولاه فهذا علي مولاه؛^{٢٩}

آگاه باشید که من پیشاپیش شما بر حوض وارد می شوم و در روز قیامت به دلیل فراوانی شما، بر امت های دیگر
به خود می بالم؛ پس مرا رو سیاه نکنید.

هان که من افرادی را از آتش دوزخ می رهانم و اقوامی چند به واسطه من نجات می یابند. خداوند مولای من و
مولای همه مردان و زنان مؤمن است. آگاه باشید! هر که من مولای او هستم، این علی مولای اوست.

فواید ارزشمند

اینک به فوایدی چند در این احادیث اشاره می نمایم.

یکم. شمار مردم مکه و مدینه که در غدیر حاضر بودند و سخنان رسول خدا صلی الله علیه وآله را شنیدند،
ده هزار نفر بود؛ حال اگر مردم دیگر سرزمین های حجاز همانند یمن و غیره را به این تعداد اضافه کنیم، جمعیتی
عظیم را پیش روی خود می بینیم.

دوم. در این احادیث آمده است که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله به مردم فرمان داد تا با امیر مؤمنان علی علیه
السلام بیعت نمایند و همه مردم نیز چنین کردند.

در برخی احادیث آمده است که پیامبر صلی الله علیه وآله به مردم فرمود:

سَلِّمُوا عَلَيَّ بِأَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ؛^{٣٠}

به علی، به عنوان امیر مؤمنان، سلام دهید.

هر چند که مورخان گذشته اهل سنت از این موضوع، غفلت کرده اند؛ اما در برخی سیره ها و تواریخ به آن

تصریح شده است.^{٣١}

٢٩ . الأملی، شیخ طوسی: ٢٢٧ و به نقل از آن، بحار الأنوار: ٣٧ / ١٢٣.

٣٠ . الکافی: ١ / ٢٩٢، حدیث ١.

سوم. بر اساس برخی روایات، حسن بصری از ذکر نام فردی که آیه ولایت در شأن او نازل شده بود، خودداری می کرد. باید گفت که پیش از او نیز، اشخاصی چند از روی حسد یا تقیه از ذکر نام آن فرد پرهیز می کردند و افراد دیگری نیز با آنان همسو شدند.

چهارم. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله در حدیث غدیر به حوض اشاره کرد و فرمود:

فلا تسودوا وجهي:

پس مرا روسیاه نکنید.

آن گاه فرمود:

لأستقذن رجالاً من النار وليستقذن من يدي أقوام:

من افرادی را از آتش دوزخ می رهانم و اقوامی چند به واسطه من نجات می یابند.

حال باید پرسید که این اقوام کیستند؟

بخاری، مسلم و دیگر نگارندگان صحاح و مسانید، حدیثی را از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله نقل کرده اند که اقوام مذکور، همان هایی هستند که پس از پیامبر صلی الله علیه وآله بدعت گذارده و دچار ارتداد به دوران گذشته شدند.^{۳۲}

گفتنی است که ارتباط و پیوند غدیر با حوض، بر خوانندگان هوشیار، پوشیده نیست.

پنجم. اگر حدیث غدیر را در کنار حدیث ثقلین - که در صحیح مسلم و کتاب های دیگر ذکر شده است - و حدیث منزلت - که در صحیح بخاری و مسلم و دیگر کتاب ها آمده است - قرار دهیم مشخص می شود که حدیث غدیر به لحاظ سند و متانت مفهومی آن، حدیثی ثابت و صحیح است.

استناد و سوگند به حدیث غدیر

۳۱ . نگاه کنید به: معارج النبوه، محمد معین هندی: ۲ / ۳۱۸، روضة الصفا: بخش دوم، جلد ۱ / ۱۷۳ و حبيب السیر:

بخش سوم، جلد ۱ / ۱۴۴.

۳۲ . صحیح بخاری: ۴ / ۸۷، باب فی الحوض.

در برخی از روایات به حدیث غدیر استناد و سوگند یاد شده است. شیخ طوسی رحمه الله متوفای سال

۴۶۰ هجری خبر استناد امیر مؤمنان علی علیه السلام به حدیث غدیر را در جمع اهل شورا چنین نقل می کند:

چندین راوی از ابوالفضل، از حسن بن محمد انصاری، محمد بن جعفر حمیری، علی بن محمد نخعی و

احمد بن محمد بن سعید همدانی؛

از احمد بن یحیی ازدی، از عمرو بن حماد قناد، از اسحاق بن ابراهیم ازدی، از معروف بن خربوذ، زیاد بن

منذر و سعید بن محمد؛

از ابوظفیل از علی علیه السلام، حدیث طولانی استدلال آن حضرت

علیه اهل شورا را چنین نقل کرده اند:

حضرت علی علیه السلام به اهل شورا فرمود:

أُنشِدْكُمْ بِاللَّهِ، هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا قَالَ فِي غَزَاةِ تَبُوكَ: «إِنَّمَا

أَنْتَ مَتَّى بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي»، غَيْرِي؟

شما را به خدا سوگند می دهم، آیا در میان شما، جز من کسی هست که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله در غزوه

تبوک، در مورد او سخنی هم چون: «تو برای من همانند هارون برای موسی هستی مگر این که هیچ پیامبری

بعد از من نخواهد آمد»، گفته باشد؟

گفتند: نه!

فرمود:

أُنشِدْكُمْ بِاللَّهِ، هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَقَالَتَهُ يَوْمَ غَدِيرِ خَمٍ: «مَنْ

كُنْتَ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادَ مِنْ عَادَاهُ»، غَيْرِي؟

شما را به خدا سوگند می دهم، آیا در میان شما، جز من کسی هست که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله در روز غدیر

خَم در مورد او سخنی هم چون: «هر که من مولای او هستم علی مولای اوست. خدایا! دوستداران او را دوست

و دشمنانش را دشمن دار»، گفته باشد؟

گفتند: نه! ۳۳

شیخ صدوق رحمه الله نیز حدیث سوگند گرفتن امیر مؤمنان علی علیه السلام و نفرین ایشان علیه کتمان کنندگان - یعنی انس بن مالک، براء بن عازب انصاری، اشعث بن قیس کندی و خالد بن یزید بجلّی - را نقل کرده است.^{۳۴}

شیخ حرّ عاملی رحمه الله متوفای سال ۱۱۰۴ هجری به نقل از ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی در کتاب الغارات، خبر سوگند دادن ابوهریره توسط يك جوان را چنین نقل کرده است:

پس از ورود معاویه به کوفه، ابوهریره به مسجد رفت و به روایت حدیث، مشغول شد. در این هنگام جوانی از انصار به نزد او آمد و گفت: ای ابوهریره! در مورد يك حدیث از تو سؤالی دارم و تو را به خدا سوگند می دهم که آیا از پیامبر صلی الله علیه وآله شنیده ای که به علی علیه السلام فرمود:

من كنت مولاه فعلي مولاه، اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه;

هر که من مولای او هستم علی مولای اوست، خدایا! دوستداران او را دوست و دشمنانش را دشمن بدار؟ ابوهریره گفت: آری، به خدایی که معبودی جز او نیست، از پیامبر صلی الله علیه وآله شنیدم که می گفت:

من كنت مولاه فعلي مولاه، اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه;

هر که من مولای او هستم علی مولای اوست، خدایا! دوستداران او را دوست و دشمنانش را دشمن بدار؟ آن جوان به او گفت: به خدا سوگند که تو با دشمنان علی، دوستی و با دوستان علی، دشمنی کرده ای. در این هنگام ابوهریره از مسجد بیرون رفت و تا هنگام خروج از کوفه به مسجد بازنگشت.^{۳۵}

شیخ حرّ عاملی رحمه الله روایت دیگری را در این زمینه به نقل از احمد بن علی طبرسی به سند خود از محمد و یحیی - فرزندان عبدالله بن حسن - از پدرشان، از حضرت علی علیه السلام در ضمن حدیثی چنین نقل می کند:

۳۳ . الأمالی، شیخ طوسی: ۵۵۵، إثبات الهداة: ۸۶ / ۲.

۳۴ . إثبات الهداة: ۴۲۰ / ۲ به نقل از کتاب الأمالی، شیخ صدوق.

۳۵ . إثبات الهداة: ۱۷۸ / ۲

ابی بن کعب به هنگام سخنرانی ابوبکر به او گفت: مگر نمی دانید که رسول خدا صلی الله علیه وآله در جایی برای ما سخنرانی کرد و علی را به خلافت برگزید و فرمود:

من كنت مولاه فهذا علي مولاه...;

هر که من مولای او هستم این علی مولای اوست...^{۳۶}

گفتنی است که بیشتر محدثان مشهور اهل سنت، روایت های سوگند دادن و استناد به حدیث غدیر را نقل کرده اند... برای مثال برخی محدثان اهل سنت همانند خطیب خوارزمی در المناقب، حموی در فرائد السمطین و حتی حافظ ابن عبدالبرّ در الاستیعاب به سند خود از عمرو بن حمّاد قتّاد، خبر سوگند دادن در روز شورا را نقل کرده اند.^{۳۷}

هم چنین می توان خبر سوگند دادن و نفرین کتمان کنندگان را در مسند احمد، أسد الغابة فی معرفة الصّحابة، مجمع الزوائد و... مشاهده نمود.^{۳۸}

از طرفی، خبر سوگند دادن ابوهریره از سوی جوان انصاری را ابوبکر هیشمی در مجمع الزوائد و هم چنین ابن کثیر در تاریخ خود از قول چندین تن از ائمه حدیث، نقل کرده اند.^{۳۹}

گفت و گوی سعد و معاویه

ابوجعفر محمّد بن حسن طوسی رحمه الله معروف به شیخ طائفه شیعه، گفت و گوی سعد و معاویه را از چند راوی، از ابوالمفضل، از محمّد بن هارون، از محمّد بن حمید، از جریر، از اشعث بن اسحاق، از جعفر بن ابومغیره، از سعید بن جبیر، از ابن عبّاس نقل کرده است.

۳۶ . همان: ۱۱۶ / ۲ .

۳۷ . فرائد السمطین: ۸۶ / ۱ ، الاستیعاب (چاپ شده در حاشیه الاصابه): ۳ / ۳۵ .

۳۸ . مسند احمد: ۱ / ۱۱۹ ، أسد الغابه: ۳ / ۳۲۱ ، مجمع الزوائد: ۹ / ۱۰۶ .

۳۹ . مجمع الزوائد: ۹ / ۱۰۵ ، تاریخ ابن کثیر: ۵ / ۲۱۳ .

ابن عباس می گوید: سعد بن ابی وقاص در ضمن گفت و گوی طولانی با معاویه گفت: شنیدم که مردی

برای شکایت از علی علیه السلام به نزد پیامبر خدا صلی الله علیه وآله آمد، اما پیامبر صلی الله علیه وآله به وی فرمود:

ألا تعلم أنّي أولى بالمؤمنين من أنفسهم؟

آیا نمی دانی که من از مؤمنان به خودشان سزاوارترم؟

گفت: می دانم.

فرمود:

فمن كنت مولاه فعلي مولاه:

پس هر کس من مولای او هستم علی مولای اوست.

سعد بن ابی وقاص گفت: پیامبر صلی الله علیه وآله در یکی از سفرهایش، علی علیه السلام را با خود نبرد و در مدینه

به جای خود نهاد؛ علی علیه السلام گفت: ای رسول خدا! آیا مرا در امر زنان و کودکان بر جای خود می نشانی؟

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

أما ترضى أن تكون مني بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي؟^{٤٠}

آیا راضی نیستی که برای من، همانند هارون برای موسی باشی با این تفاوت که هیچ پیامبری پس از من نخواهد

آمد؟

یعنی تو در تمام امور جانشین من هستی؛ نه فقط در امور زنان و کودکان.

این گفت و گو هنگامی رخ داد که معاویه به سعد بن ابی وقاص دستور داد تا امیر مؤمنان علی را دشنام

دهد. این گفت و گو در کتاب های اهل سنت، نقل شده و مسلم نیشابوری و دیگر ائمه اهل تسنن نیز آن را روایت

کرده اند. در این گفت و گو آمده است:

سعد گفت: تا زمانی که سه مطلب را به یاد می آورم که رسول خدا صلی الله علیه وآله به علی علیه السلام گفت، وی را دشنام نخواهم داد؛ اگر یکی از این سه مطلب در وصف من گفته می شد، آن را از همه نعمت ها، بیشتر دوست می داشتم... .

اما علمای اهل سنت این حدیث را تحریف کرده اند؛ به گونه ای که برخی از آنان، حدیث غدیر را از آن حذف کرده اند، برخی دیگر لفظ دشنام را نیاورده اند و برخی دیگر نام دشنام دهنده را ذکر نکرده اند...^{۴۱}.

ای کاش معاویه نیز همانند برخی طرفداران خود - پس از شنیدن آن سخنان و خودداری سعد از دشنام دادن به خاطر گفتار پیامبر - از دشنام دادن به علی علیه السلام دست برمی داشت و دیگران را نیز از آن نهی می کرد.

شیخ طوسی رحمه الله به سند خود از سهم بن حصین اسدی نقل می کند:

من و عبدالله بن علقمه به مکه رفتیم. عبدالله بن علقمه همواره به علی صلوات الله علیه بسیار دشنام می داد. به او گفتم: اگر مایلی به نزد ابوسعید خدری برویم و با او تجدید عهدی کنیم؟
گفت: برویم.

پس از آن که به نزد ابوسعید خدری رفتیم، عبدالله بن علقمه از او پرسید: آیا منقبتی در مورد علی شنیده ای؟
گفت: آری، آن را برای تو نقل می کنم و می توانی برای حصول اطمینان، از مهاجرین، انصار و قریش نیز بپرسی. آن منقبت این است که رسول خدا صلی الله علیه وآله در روز غدیر خم به سخنرانی و تبلیغ رسالت پرداخت و آن گاه فرمود:

يا أَيُّهَا النَّاسُ! أَلَسْتُ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟

ای مردم! آیا من به مؤمنان از خودشان سزاوارتر نیستم؟

گفتند: بله.

پیامبر صلی الله علیه وآله سخن خود را سه مرتبه تکرار کرد و آن گاه فرمود: ای علی! نزدیک بیا.

رسول خدا صلی الله علیه وآله دست علی را بالا برد تا جایی که من سفیدی زیر بغل هر دوی آن ها را دیدم.

پیامبر صلی الله علیه وآله سه بار فرمود:

من کنت مولاه فعلی مولاه:

هر که من مولای او هستم علی مولای اوست.

سهم بن حصین در ادامه می گوید:

عبدالله بن علقمه گفت: تو خود، این سخنان را از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیدی؟

ابوسعید به گوش ها و سینه خود اشاره کرد و گفت: آری، گوش هایم آن را شنید و قلبم آن را درک نمود.

عبدالله بن شریک می گوید: عبدالله بن علقمه و سهم بن حصین به نزد ما آمدند و پس از اقامه نماز ظهر،

عبدالله بن علقمه برخاست و سه بار گفت: من به خاطر دشنام دادن به علی بن ابی طالب علیهما السلام، توبه و از خدا

طلب آمرزش می کنم.^{۴۲}

اعتراض و مخالفت در روز غدیر

در این زمینه شیخ محمد بن مسعود عیاشی رحمه الله روایتی را از جعفر بن محمد خزاعی از پدرش نقل

می کند: محمد خزاعی می گوید: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه وآله در روز غدیر سخنان خود را به پایان رسانید، مقدار از کنار جمعیتی گذشت که

می گفتند: وی می خواهد پس از خود، حکومت را به علی واگذارد، به خدا سوگند نشانش خواهیم داد!

مقداد، رسول خدا صلی الله علیه وآله را از موضوع آگاه کرد؛ رسول خدا صلی الله علیه وآله آن افراد را فرا خواند، اما

آن ها سوگند یاد کردند که چنین چیزی نگفته اند.^{۴۳}

۴۱ . برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر.ک: تاریخ ابن کثیر: ۷ / ۳۴۰، الخصائص، نسائی: ۴۹، الاستیعاب: ۳ / ۱۰۹۹.

۴۲ . الأمالی، شیخ طوسی: ۲۴۷ و به نقل از آن، بحار الأنوار: ۳۷ / ۱۴۲.

۴۳ . إثبات الهداة: ۲ / ۱۳۷.

مرحوم عیاشی روایت دیگری را چنین نقل می کند: ابان بن تغلب می گوید: امام جعفر صادق علیه السلام

فرمود:

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه وآله در روز غدیر خم، علی علیه السلام را به حکومت، منصوب کرد و فرمود:

هر که من مولای او هستم علی مولای اوست.

دو تن از قریشیان گفتند: به خدا سوگند، هرگز تسلیم سخنان او نخواهیم شد.

پیامبر صلی الله علیه وآله را از گفت و گوی آن دو تن، آگاه کردند. پیامبر صلی الله علیه وآله از آن ها پرسید چه

گفته اید؟ آن ها تکذیب کرده و به خدا سوگند یاد کردند که چیزی نگفته اند.^{۴۴}

روایت دیگری را سید شرف الدین علی نجفی از بزرگان قرن دهم از محمد بن عباس نقل می کند:

علی بن عباس، از حسن بن محمد، از یوسف بن کلیب، از خالد، از حفص بن عمر، از حنان، از ابویوب

انصاری برای ما چنین روایت کرد:

آن گاه که پیامبر صلی الله علیه وآله دست علی علیه السلام را گرفت و آن را

بالا برد و فرمود:

من کنت مولاه فعلی مولاه;

هر که من مولای او هستم علی مولای اوست.

برخی گفتند: پیامبر صلی الله علیه وآله شیفته پسر عموی خود شده است.^{۴۵}

به یقین در آن صحنه، افراد دیگری نیز بودند که همانند فهری فکر می کردند. اگر این افراد همانند فهری،

مخالفت خود را با رسول خدا صلی الله علیه وآله علنی می کردند به همان بلایی گرفتار می شدند که فهری بدان گرفتار

شد و داستان آن در تاریخ، به ثبت رسید... اما چنان که دیدید، افراد نام برده، تکذیب نموده و به دروغ، سوگند یاد

کردند که چنین چیزی نگفته اند؛ این در حالی است که آنان سخن کفرآمیز خود را بر زبان جاری کرده بودند... .

۴۴ . إثبات الهداة: ۲ / ۱۳۷ .

۴۵ . همان .

معنای حدیث غدیر

درباره معنای حدیث غدیر شیخ فرات بن ابراهیم کوفی رحمه الله این گونه روایت می کند:

اسحاق بن محمد بن قاسم هاشمی به صورت پیوسته از حدیقه،

حدیث غدیر را چنین نقل می کند: پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ! أَلَسْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنِّي أُولَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟

ای مردم! آیا نمی دانید که من از خودتان به شما سزاوارترم؟

گفتند: می دانیم.

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فِهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ:

ای مردم! هر که من مولای او هستم این علی مولای اوست.

در این هنگام مردی از میانه مسجد گفت: ای رسول خدا! تأویل کلام شما چیست؟

فرمود:

مَنْ كُنْتُ نَبِيَّهٖ فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادَ مِنْ عَادَاهُ؛^{۴۶}

هر که من پیامبرش هستم، علی امیر اوست. خدایا! دوستداران او را دوست و دشمنانش را دشمن بدار.

روایت دیگری را شیخ عماد الدین محمد بن ابوالقاسم طبری نویسنده کتاب بشارة المصطفی نیز به سند خود از

ابراهیم بن رجاء نقل می کند.

ابراهیم می گوید: به امام جعفر صادق علیه السلام گفتند:

رسول خدا صلی الله علیه وآله در روز غدیر به علی علیه السلام فرمود: «هر کس که من مولای او هستم علی مولای

اوست؛ خدایا! دوستداران او را دوست و دشمنانش را دشمن بدار». منظور رسول خدا صلی الله علیه وآله از این سخنان

چه بود؟

امام صادق علیه السلام با حالتی نیکو نشست، آن گاه فرمود:

سئل عنها - والله - رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: الله مولاي وأولى بي من نفسي ولا أمر لي معه وأنا مولى المؤمنين وأولى بهم من أنفسهم لا أمر لهم معي ومن كنت مولاه وأولى به من نفسه فعلي بن أبي طالب مولاه، أولى به من نفسه، لا أمر له معه؛^{٤٧}

به خدا سوگند! همین سؤال از رسول خدا صلی الله علیه وآله پرسیده شد.

ایشان در پاسخ فرمود: خدا، مولای من و از خودم به من سزاوارتر است؛ به گونه ای که من با وجود دستور الهی، هیچ اختیاری از خود ندارم. من نیز مولای مؤمنان و از خودشان به آن ها سزاوارتر هستم؛ به گونه ای که با وجود دستور من، هیچ اختیاری از خود ندارند؛ هر که من مولای او هستم و به او از خودش سزاوارترم، پس علی بن

ابی طالب مولای او و به خودش از وی سزاوارتر است؛ به گونه ای که با وجود دستور علی، هیچ اختیاری از خود ندارد.

شیخ صدوق رحمه الله از محمد بن عمر حافظ جعابی، از موسی بن محمد ثقفی، از حسن بن محمد، از صفوان بن یحیی، از یعقوب بن شعیب، نقل می کند که ابان بن تغلب می گوید:

از امام محمد باقر علیه السلام در مورد سخن پیامبر صلی الله علیه وآله که «هر که من مولای او هستم علی مولای اوست» پرسیدم.

فرمود:

يا أبا سعيد! تسأل عن مثل هذا؟! أعلمهم أنه يقوم فيهم مقامه؛^{٤٨}

ای اباسعید! در مورد این سخن، می پرسی؟! پیامبر صلی الله علیه وآله به مردم اعلام کرد که علی، جانشین او می شود.

شیخ صدوق رحمه الله روایت دیگری را در این زمینه این گونه نقل می کند:

٤٧ . بشارة المصطفى: ٩٢.

٤٨ . معانی الأخبار: ٦٦.

محمد بن عمر حافظ جعابی از جعفر بن محمد حسینی، از محمد بن علی بن خلف، از سهل بن عمرو، از زافر بن

سلیمان، از شریک، از ابواسحاق نقل می کند که به امام سجّاد علیه السلام گفتم: معنای

این سخن پیامبر صلی الله علیه وآله که: «هر که من مولای او هستم علی مولای اوست» چیست؟

فرمود:

أخبرهم أنه الإمام بعده؛^{۴۹}

به آن ها خبر داد که علی علیه السلام پس از وی، امام مردم است.

در این باره شیخ علی بن عیسی اربلی متوفای سال ۶۹۳ نیز در کشف الغمه می نویسد:

عبدالله بن جعفر حمیری در کتاب الدلائل می گوید:

حسن بن ظریف به من گفت: برای امام سجّاد علیه السلام نامه نوشتم و عرض کردم: معنای این سخن رسول

خدا صلی الله علیه وآله درباره امیر مؤمنان علی علیه السلام که «هر که من مولای او هستم علی مولای اوست» چیست؟

امام سجّاد علیه السلام فرمود:

أراد بذلك أن يجعله علماً يعرف به حزب الله عند الفرقة؛^{۵۰}

پیامبر صلی الله علیه وآله با این سخن قصد داشت تا علی علیه السلام را به

عنوان علم و شاخص برگزیند که به هنگام تفرقه، حزب الله به وسیله او، شناخته شوند.

اعتراف ابوحنیفه به دلالت حدیث غدیر

شیخ محمد بن محمد بن نعمان بغدادی ملقب به مفید، متوفای سال ۴۱۳ هجری این گونه روایت می کند:

محمد بن عمر جعابی، از احمد بن محمد بن سعید نقل می کند که علی بن حسن تیمی می گوید: در کتاب

پدرم یافتم که محمد بن مسلم اشجعی از محمد بن نوفل بن عائذ صیرفی این گونه نقل کرده است:

روزی ابوحنیفه به نزد ما آمد و درباره امیر مؤمنان علی علیه السلام به گفت و گو نشستیم.

۴۹ . همان: ۶۵.

۵۰ . کشف الغمه: ۱ / ۱۴۷.

ابوحنیفه گفت: من به هم کیشان خود گفته ام که در برابر شیعیان، به حدیث غدیر خم اعتراف نکنید؛ زیرا در صورت اعتراف، منطق آن ها بر شما غلبه می یابد.

در این هنگام رنگ چهره هیثم بن حبیب صیرفی تغییر یافت و به ابوحنیفه گفت: چرا به حدیث غدیر اعتراف نمی کنید؟ ای نعمان! مگر از حدیث غدیر اطلاع نداری؟

ابوحنیفه گفت: من از آن اطلاع دارم و حقیقتاً آن را روایت کرده ام.

هیثم گفت: پس چرا به آن اعتراف نمی کنی و حال آن که حبیب بن

ابی ثابت از ابوظفیل از زید بن ارقم نقل می کند که علی علیه السلام در «رحبه»، حاضران روز غدیر را در مورد صحت حدیث غدیر، سوگند داده است؟

ابوحنیفه گفت: مگر نمی بینید که مردم به حدی در این زمینه اختلاف کرده اند که علی به ناچار در «رحبه» مردم را در این باره سوگند داده است؟

هیثم گفت: پس ما علی علیه السلام را تکذیب و سخن او را رد می کنیم!!

ابوحنیفه گفت: ما علی را تکذیب و سخن او را رد نمی کنیم، اما چنان که می دانید گروهی از مردم در مورد علی، غلو می کنند.

هیثم گفت: سخن را رسول خدا صلی الله علیه وآله فرموده و يك خطبه در مورد آن ایراد نموده و ما از بازگویی آن می هراسیم...^{۵۱}.

روزه روز غدیر

روز غدیر، روز روزه، نماز، دعا و عبادت است و روایات بسیار زیادی در این مورد وجود دارد.

برای مثال شیخ طوسی رحمه الله به سند خود، از حسین بن حسن حسینی نقل می کند که محمد بن موسی

همدانی، از علی بن حسان واسطی، نقل کرده که علی بن حسین عبدی می گوید: امام جعفر

صادق علیه السلام می فرمود:

صیام یوم غدیر خم یعدل صیام [عمر] الدنیا...؛

روزه روز غدیر خم، با روزه [عمر] جهان برابری می کند... .

آن گاه امام علیه السلام به ذکر نماز روز غدیر و ثواب آن پرداخت... سپس فرمود: پس از دو رکعت نماز مذکور

باید این دعا را هم بخوانی و بگویی...^{۵۲}

ابن بابویه شیخ صدوق رحمه الله در این باره می گوید:

حسن محمد بن حسن سکونی، از ابراهیم بن محمد بن یحیی نیشابوری، از ابوجعفر بن سری و ابونصر بن

موسی خلال، از علی بن سعید، از ضمرة بن شوذب، از مطر، از شهر بن حوشب از ابوهیریه نقل می کند:

هر که روز هیجدهم ذی حجه را روزه بگیرد، خداوند روزه شصت ماه را برای او ثبت می کند. هیجدهم ذی

حجه، روز غدیر خم است. آن گاه که رسول خدا صلی الله علیه وآله دست علی بن ابی طالب علیهما السلام را گرفت و

فرمود: آیا من به مؤمنان از خودشان سزاوارتر نیستم؟

گفتند: بله، ای رسول خدا!

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

من کنت مولاه فعلی مولاه:

هر که من مولای او هستم علی مولای اوست.

در این هنگام، عمر به علی علیه السلام گفت: خوشا به حالت ای علی! مولای من و مولای همه مسلمانان

شدی.

آن گاه خداوند این آیه را نازل فرمود:

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ):

امروز دینتان را برای شما کامل کردم.^{۵۳}

۵۲ . تهذیب الأحکام: ۴ / ۳۰۵.

۵۳ . إثبات الهداة: ۲ / ۴۸، بحار الأنوار: ۳۷ / ۱۰۸.

این حدیث را خطیب خوارزمی و صدرالدین حموی به صورت مسند از بیهقی، از حاکم نیشابوری و او هم به سند خود از علی بن سعید نقل کرده اند...^{۵۴}.

هم چنین ابن مغزلی به سند خود از علی بن سعید...^{۵۵} روایت فوق را نقل کرده است. خطیب بغدادی نیز این حدیث را از عبدالله بن علی بن محمد بن بشران از دارقطنی از ابونصر خلال از علی بن سعید... روایت کرده است...^{۵۶}.

مسجد غدیر و نماز گزاردن در آن

شیخ محمد بن یعقوب کلینی، شیخ ابوجعفر صدوق و شیخ ابوجعفر طوسی به سند خود از حسان جمال چنین نقل کرده اند:

روزی امام صادق علیه السلام را از مدینه به مکه می بردم، هنگامی که به مسجد غدیر رسیدیم، امام علیه السلام به سمت چپ مسجد، نگاه کرد و فرمود:

ذاك موضع قدم رسول الله صلى الله عليه وآله حيث قال: «من كنت مولاه فعلي مولاه...»^{۵۷}

رسول خدا صلی الله علیه وآله در همین نقطه ایستاد و فرمود: «هر کس که من مولای او هستم علی مولای اوست...».

شیخ کلینی رحمه الله نیز در این باره روایتی را به سند خود از ابان نقل می کند، ابان می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

يستحب الصلاة في مسجد الغدير؛ لأن النبي صلى الله عليه وآله أقام أمير المؤمنين عليه السلام

وهو موضع أظهر الله فيه الحق^{۵۸}

۵۴ . مناقب علی بن ابی طالب علیهما السلام: ۷۹، فرائد السمطين: ۱ / ۷۷.

۵۵ . همان: ۳۸.

۵۶ . تاریخ بغداد: ۸ / ۲۹۰.

۵۷ . إثبات الهداة: ۲ / ۱۶، ۱۹ به نقل از الکافی، من لا یحضره الفقیه و تهذیب الأحکام.

۵۸ . الکافی: ۴ / ۵۶۷.

نماز گزاردن در مسجد غدیر، مستحب است؛ چرا که پیامبر صلی الله علیه وآله در آن جا امیر مؤمنان علی علیه السلام را به حکومت، منصوب نمود و آن جا، جایگاهی است که خداوند در آن، حق را آشکار ساخت.

روز غدیر، روز عید

درباره عید بودن روز غدیر شیخ کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی رحمهم الله روایتی را به سند خود از حسن بن راشد از امام صادق علیه السلام نقل کرده اند.

حسن بن راشد می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت شوم، آیا مسلمانان به جز دو عید (قربان و

فطر) عید دیگری نیز دارند؟

فرمود: آری، ای حسن! عید دیگری که از دو عید قبلی، بزرگ تر و شریف تر است.

گفتم: این عید در کدام روز قرار می گیرد؟

فرمود: روزی که امیر مؤمنان علی علیه السلام به عنوان مهتر و سرور مردم، منصوب شد.

گفتم: فدایت شوم، کدام روز؟

فرمود: روزگار می گردد و آن روز، هیجدهم ذی حجه است.

گفتم: فدایت شوم، وظیفه ما در این روز چیست؟

فرمود:

تصومه یا حسن! وتكثر الصلاة على محمد وآله وتبرء إلى الله عزوجل ممن ظلمهم، فإن

الأنبياء صلوات الله عليهم كانت تأمر الأوصياء باليوم الذي كان يقام فيه الوصي أن يتخذ عيداً؛

ای حسن! در این روز، روزه بگیر، بر محمد و آل او بسیار درود فرست و با بیزاری جستن از کسانی که در حق

محمد و خاندانش ستم کردند، به خدای بزرگ تقرب جوی؛ چرا که پیامبران صلوات الله عليهم به جانشینان خود

دستور می دادند که روز انتصاب جانشین و وصی را به عنوان روز عید، بگیرند.

گفتم: کسی که روز غدیر را روزه بگیرد چه پاداشی خواهد داشت؟

فرمود: برای او روزه شصت ماه، ثبت می شود.^{۵۹}

به راستی چگونه می توان روز تکمیل دین و اتمام نعمت... را عید به شمار نیاورد؟

در این روز اصحاب پیامبر - از جمله ابوبکر و عمر - پس از انتصاب امیر مؤمنان علی علیه السلام به امامت مردم توسط پیامبر صلی الله علیه وآله، به وی تبریک گفتند و تعداد بی شماری از پیشوایان بزرگ اهل سنت، داستان تبریک گفتن اصحاب، به علی علیه السلام را نقل کرده اند، از جمله آنان می توان این افراد را نام برد: احمد بن حنبل در مسند، طبری در تفسیر خود، خطیب بغدادی در تاریخ بغداد، ابن حجر مکی در الصواعق المحرقة، محبّ الدین طبری در الرياض النضرة، متقی هندی در کنز العمال و...^{۶۰}

بیرونی در کتاب الآثار الباقیه روز غدیر را در شمار روزهایی قرار داده که مسلمانان آن را به عنوان روز عید، محسوب می کردند.^{۶۱}

ابن طلحه شافعی در مطالب السئول می نویسد: «آن روز، روز عید شد».^{۶۲}

قاضی القضاة ابن خلکان شافعی در چند مورد از کتاب وفيات الأعیان، روز غدیر را روز عید می نامد.^{۶۳}

از خدای بزرگ، مسئلت دارم که توفیق حرکت در مسیر حق، ثبات قدم در صراط مستقیم و انجام واجبات الاهی در این مسیر را به ما ارزانی دارد.

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

۵۹ . الكافي: ۴ / ۱۴۸، من لا يحضره الفقيه: ۲ / ۹۰، تهذيب الأحكام: ۴ / ۵.

۶۰ . مسند احمد: ۴ / ۲۸۱، تفسير الطبري: ۳ / ۴۲۸، تاريخ بغداد: ۸ / ۲۹۰، الصواعق المحرقة: ۲۶، الرياض النضرة: ۲ / ۱۶۹، كنز العمال: ۶ / ۳۹۷.

۶۱ . الآثار الباقية: ۳۳۴.

۶۲ . مطالب السئول: ۹۷.

۶۳ . وفيات الاعيان: ۱ / ۱۸۰ و ۵ / ۲۳۰.

١. قرآن كريم.

الف

٢. الآثار الباقيه: ابوريحان محمد بن احمد بيروني خوارزمي.

٣. إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات: محمد بن حسن حرّ عاملي، مطبعه علميه، قم.

٤. الإستيعاب في معرفة الأصحاب: ابن عبد البرّ، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ يكّم، سال ١٤١٥.

٥. أسد الغابه: ابوالحسن علي بن محمد شيباني معروف به ابن الاثير، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان.

٦. الأمالي: ابوجعفر محمد بن علي بن حسين بن موسى بن بابويه قمي، معروف به شيخ صدوق، مؤسسه بعثت،

قم، چاپ يكّم، سال ١٤١٧.

٧. الأمالي: شيخ الطائفة محمد بن حسن طوسي، دار الثقافة، سال ١٤١٤.

٨. الأمالي: ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان عكبري بغدادي، ملقب به شيخ مفيد، جامعه مدرسين، قم.

٩. اسباب النزول: امام واحدي نيشابوري، عالم الكتب، بيروت.

ب

١٠. بحار الأنوار: محمد باقر مجلسي، دار الإحياء التراث العربي، بيروت، لبنان، چاپ سوم، سال ١٤٠٣.

١١. بشارة المصطفى لشيعه المرتضى: عماد الدين ابوجعفر محمد بن ابوالقاسم طبري، مؤسسه نشر اسلامي،

قم.

١٢. البداية والنهايه (تاريخ ابن كثير): اسماعيل بن عمر قرشي بصري معروف به ابن كثير، چاپ دار احياء

التراث العربي، بيروت، چاپ يكّم، سال ١٤٠٧.

ت

١٣. تاريخ بغداد: خطيب بغدادي، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ يكّم، سال ١٤١٧.

١٤. تذكرة الخواص: سبط بن جوزي، مؤسسه اهل البيت عليهم السلام، بيروت، لبنان، سال ١٤٠١.

١٥. ترجمة أمير المؤمنين عليه السلام من تاريخ مدينة دمشق: حافظ ابى القاسم على بن حسن، معروف به ابن عساكر، مؤسسه محمودى، بيروت.

١٦. تفسير طبرى (جامع البيان في تفسير القرآن): محمد بن جرير طبرى، دارالمعرفة، بيروت، سال ١٤١٢.

١٧. تفسير العياشى: محمد بن مسعود سلمى سمرقندى، معروف به عياشى، مكتبه علميه اسلاميه، تهران.

١٨. التفسير الكبير: فخر رازى، دار الفكر، بيروت، لبنان، سال ١٤١٥ و دار احياء التراث العربى، بيروت، چاپ سوم.

١٩. تفسير القمى: ابوالحسن على بن ابراهيم قمى، مؤسسه دار الكتاب، قم.

٢٠. تفسير نيشابورى (غرائب القرآن ورغائب الفرقان): نظام الدين نيشابورى، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، سال ١٤١٦.

٢١. تهذيب الاحكام: شيخ الطائفة محمد بن حسن طوسى، دار الكتب اسلاميه، تهران، چاپ سوم، سال ١٣٦٤ ش.

ح

٢٢. حبيب السير: محمد بن همام الدين شيرازى معروف به خواند امير.

خ

٢٣. الخصائص: نسائى، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، قم، ايران، چاپ يكم، سال ١٤١٩.

٢٤. الخصال: محمد بن على بن حسين بن موسى بن بابويه، معروف به شيخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسين، قم.

د

٢٥. الدر المنثور فى التفسير بالمأثور: جلال الدين سيوطى، دار الكتب علميه، بيروت، چاپ يكم، سال ١٤٢١.

٢٦. **دلائل الصدق**: شيخ محمد حسن مظفر، دار المعلم، قاهره، مصر، سال ١٣٢٢.

ر

٢٧. **(اختيار معرفة الرجال) رجال الكشي**: شيخ الطائفة محمد بن حسن طوسي، مؤسسه آل البيت عليهم

السلام، قم، سال ١٤٠٤.

٢٨. **روضة الصفا**: ميرخاند محمد بن خاوندشاه بن محمد خوارزمشاهي.

٢٩. **الرياض النضره**: محب الدين طبري، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان.

س

٣٠. **السيرة الحلبيّة**: علي بن برهان الدين حلبي، مكتبة التجارية الكبرى، قاهره، مصر، سال ١٣٨٢.

ص

٣١. **الصافي في تفسير القرآن**: مولا محمد محسن فيض كاشاني.

٣٢. **صحيح بخارى**: محمد بن اسماعيل بخارى جُفعي، دار ابن كثير، دمشق، بيروت، يمامه، چاپ پنجم، سال

١٤١٤.

٣٣. **الصواعق المحرقة**: احمد بن محمد بن محمد بن علي بن حجر هيثمي مكّي، تحقيق عبدالرحمان بن

عبدالله تركي و كامل محمد خرّاط، مؤسسه رسالت، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ١٤١٧.

ع

٣٤. **عمدة القارى في شرح البخارى**: بدر الدين عيني، دار الفكر، و دار احياء التراث العربي، بيروت، لبنان.

ف

٣٥. **فرائد السمطين**: ابراهيم بن محمد حموي جويني خراساني، مؤسسه محمودي، بيروت، لبنان، چاپ يكم،

سال ١٣٩٨.

٣٦. **الفصول المهمة في معرفة الأئمة**: ابن صباغ مالكي، مكتبة دار الكتب التجاربه.

٣٧. فيض القدير في شرح الجامع الصغير: عبدالرؤوف مناوى، دار الكتب علميّه، بيروت، لبنان، چاپ يكّم،

سال ١٤١٥.

ق

٣٨. قرب الإسناد: ابوالعباس عبداللّه بن جعفر حميرى، مؤسسّه آل البيت عليهم السلام، قم، سال ١٤١٣.

ك

٣٩. الكافى: محمّد بن يعقوب كلينى رحمه الله، دار صعب، دار التعارف، بيروت، لبنان، چاپ سوم، سال ١٤٠١.

٤٠. كشف الغمّة في معرفة الأئمّة: ابوالحسن على بن عيسى بن ابى الفتح اربلى، دار الأضواء، بيروت، لبنان.

٤١. كنز العُمال: متقى هندی، دار الكتب علميّه، بيروت، لبنان، چاپ يكّم، سال ١٤١٩.

م

٤٢. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد: نورالدين على بن ابى بكر هيثمى، دار الفكر، بيروت، لبنان، سال ١٤١٢.

٤٣. مسند احمد بن حنبل: احمد بن حنبل شيبانى، دار احياء التراث عربى، بيروت، لبنان، چاپ سوم،

سال ١٤١٥.

٤٤. مطالب السؤل في مناقب آل الرسول عليهم السلام: محمّد بن طلحه شافعى.

٤٥. معارج النبوه: ابوجعفر محمّد معين هندی.

٤٦. معانى الأخبار: محمّد بن على بن حسين بن موسى بن بابويه قمى، معروف به شيخ صدوق، مكتبه، صدوق،

تهران، سال ١٣٧٩.

٤٧. المناقب: ابن مغازلى، دار الأضواء، بيروت، لبنان، چاپ دوم، سال ١٢١٤.

٤٨. المناقب: خوارزمى، مؤسسّه نشر اسلامى، قم، چاپ دوم، سال ١٤١٤.

٤٩. مناقب على بن ابى طالب عليهما السلام: احمد بن حنبل شيبانى.

٥٠. من لا يحضره الفقيه: محمّد بن على بن حسين بن موسى بن بابويه، معروف به شيخ صدوق، انتشارات

جامعه مدرسين، قم، چاپ دوم.

ن

٥١. نظم درر السمطين: جمال الدين محمد بن يوسف زرندي حنفي.

٥٢. نور الابصار: مؤمن شبلنجي، دار الفكر، بيروت، لبنان.

٥٣. وفيات الأعيان: شمس الدين احمد بن محمد بن خلّكان، دار صادر، بيروت، لبنان.

(۲۴)

Ghadir

***warrated by household
of prophet (Peace be upon them)***

A short view on Ghadir Tradition in Shiite Sources

Ayatollah Seyed Ali Hosseini Milani